



Legal Challenges of the Citizenship of the Child Born of the Marriage of an Iranian Woman and a Non-Iranian Man with Emphasis on the Amendment Regulation of 1398s

fatemeh Faraji¹ Haniyeh Zakerinia*²

DOI:
10.30497/FLJ.2023.244625.1919



Abstract

Granting citizenship through the Iranian legal system has challenges in relationship with citizenship of children born from the marriage of Iranian women to foreign men. In 2018, an article was approved to cover the shortcomings of the law on determining the citizenship of children born from Iranian women to foreign men approved in 2006. This not only did not open the way but made the problem more complicated. One of the challenges is the sufficiency of Sharia marriage instead of permission from the government (Article 1060 of the Civil Code) for granting citizenship, which creates irreparable consequences, especially for Iranian women. Also, despite considering this fact that the citizenship to be acquired, granting citizenship has been positive and has created a situation of dual citizenship. The present article, through a descriptive-analytical study, is concluded that although it is possible that granting citizenship to these children is a positive step to reduce their injuries and problems, and it is good for people without birth certificates who have dual identity; But due to lack of proper information and lack of transparency, there are many challenges in this field; Also, due to the existing secret and unplanned migrations, the issue faces security and political threats. The large volume of immigration to Iran has also turned the issue from normal to security and political. The process of issuing a birth certificate is faced with a considerable delay in the security institution's inquiry stage. Still, due to security issues, it is impossible to reduce decision-making institutions. Therefore, Iran should enter this issue more consciously and actively, and turn threats into opportunities, and the approach to granting citizenship should not be unilateral.

Keywords: acquired citizenship, citizenship, foreign father, inherent citizenship, Iranian mother, maternal lineage.

1. MSc. of Private Law, Shiraz University, Shiraz, Fars, Iran fatemefaraji39@gmail.com
2. (Corresponding Author) Assistant Professor Department of Private and Islamic Law, Shiraz University, Shiraz, Fars, Iran h.zakerinia@shirazu.ac.ir



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چالش‌های حقوقی تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیرایرانی با تأکید بر مقررۀ اصلاحی ۱۳۹۸

فاطمه فرجی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲

حانیه ذاکری نیا^۲*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

چکیده

اعطای تابعیت از طریق نسب مادری در نظام حقوقی ایران چالش‌هایی دربارهٔ تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی دارد. در سال ۱۳۹۸ ماده واحده‌ای برای پوشش کاستی‌های قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب سال ۱۳۸۵ تصویب شد. این امر نه تنها راهگشا نبود، بلکه مسئله را پیچیده‌تر کرد. یکی از چالش‌ها، کفایت ازدواج شرعی به جای مجوز از دولت (ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی) برای اعطای تابعیت است که تبعات جبران‌ناپذیری به خصوص برای زن ایرانی به دنبال دارد. همچنین، به رغم اکتسابی دانستن تابعیت، اعطای تابعیت ایجابی بوده، و باعث ایجاد وضعیت تابعیت مضاعف شده است. در نوشتار حاضر با بررسی توصیفی - تحلیلی، این نتیجه به دست می‌آید که ممکن است اعطای تابعیت به این کودکان، گامی مثبت جهت کاهش آسیب‌ها و مشکلات آن‌ها باشد و برای افراد فاقد شناسنامه که هویتی دوگانه دارند، راهگشا باشد؛ اما به دلیل عدم اطلاع‌رسانی مناسب و عدم شفافیت، چالش‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد و نیز با توجه به مهاجرت‌های پنهانی و بی‌برنامه موجود، مسئله را با تهدیدهای امنیتی و سیاسی روبه‌رو می‌سازد؛ حجم وسیع مهاجرت به ایران نیز موضوع را از حالت عادی به حالت امنیتی و سیاسی تبدیل کرده است. در روند صدور شناسنامه، مرحلهٔ استعلامات نهاد امنیتی باکندی بسیار روبه‌رو است؛ اما با وجود این، امکان کاهش نهادهای تصمیم‌گیری وجود ندارد و این عدم امکان، ناشی از مسائل امنیتی است. به این ترتیب، ایران باید آگاهانه‌تر و فعالانه‌تر به این موضوع بپردازد و تهدیدها را تبدیل به فرصت کند و رویکردش در اعطای تابعیت، به صورت یک جانبه نباشد.

کلیدواژه‌ها: پدر خارجی، تابعیت، تابعیت اکتسابی، تابعیت ذاتی، مادر ایرانی، نسب مادری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شیراز، فارس، ایران fatemefaraji39@gmail.com

۲. (نویسندهٔ مسئول) استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشگاه شیراز، فارس، ایران

h.zakerinia@shirazu.ac.ir; h.zakerinia@gmail.com

مقدمه

تابعیت رابطه‌ای است که در آن شخص حق دارد از حمایت دولت بهره‌مند شود. این حق به موجب ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ و نیز اصل ۴۱ قانون اساسی ایران به رسمیت شناخته شده است. همچنین بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۶۱ راجع به کاهش بی‌تابعیتی^۲ بیان می‌کند: «طفلی که در سرزمین دولت طرف کنوانسیون بر اثر ازدواج قانونی، متولد شده باشد و مادر طفل تابعیت دولت طرف کنوانسیون را داشته باشد، از تابعیت دولت طرف معاهده برخوردار خواهد شد؛ مشروط بر آنکه طفل مذکور در صورت عدم اجرای این مقرره بی‌تابعیت شود». در سال ۱۹۷۹ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۳، مورد پذیرش قرار گرفت که بند ۲ ماده ۹ آن به صورت اختصاصی بیان می‌دارد: «دولت‌های عضو به زنان، حقوق مساوی با مردان در مورد تابعیت فرزندانشان اعطا خواهند کرد». در ایران، تابعیت از طریق پدر منتقل می‌شود که بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به صراحت بیان کرده، و نقش مادر را در این باره بسیار کم‌رنگ دانسته است. وضعیت تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع غیرایرانی، از لحاظ حقوقی مسئله‌ای است که سال‌ها مشکلاتی از قبیل عدم صدور شناسنامه، عدم تحصیل و بی‌بهرگی از هرگونه حقوق شهروندی ایجاد کرده است. آن‌ها صرفاً پس از سن هجده سال تمام و شرط مضاف بر آن، که اقامت یک‌ساله در ایران داشته باشند، به‌عنوان تبعه ایران محسوب می‌شدند (بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی). بالاخره در سال ۱۳۸۵ مقرره‌ای تک‌ماده‌ای در خصوص تعیین تکلیف تابعیت این فرزندان به تصویب رسید که نه تنها راهگشا نبود، بلکه مشکل را دوچندان کرده بود؛ چراکه از یک سو فرزندان زیر هجده سال را نادیده گرفته بود و از سوی دیگر، برای کسانی که ازدواج شرعی اما غیرقانونی داشتند، مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورده بود؛ همچنین تحصیل تابعیت ایرانی با شرایط قانون مدنی را منوط به تقاضا و

1. The Universal Declaration of Human Rights, 10 Dec. 1948.
2. The Convention on the Reduction of Statelessness, 1961, UN.
3. The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW), 1979, UN.

عدم سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و رد تابعیت خارجی کرد. با مصوبه سال ۱۳۹۱ نیز مشکلات ازجایی دیگر رخنه کرد. به رغم معافیت از پرداخت هزینه اقامت تا نوزده سالگی، حق اقامت دائم و بهره‌مندی از حقوق شهروندی، همچنان مشکلاتی در روند گرفتن شناسنامه وجود داشت. در نهایت مهرماه ۱۳۹۸، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی در یک ماده و دو تبصره تصویب شد که خلأهای مقررات قبل در اعطای تابعیت را با شرایطی برطرف کرد.

دادن تابعیت و شناسنامه به فرزندان این قبیل ازدواج‌ها، از گام‌های مثبت دولت بود؛ چراکه شناسنامه، افزون بر آنکه معرف فرد است، در امور مختلف اداری و آموزشی کاربرد اساسی دارد که نداشتن آن نقیصه بزرگی است. ازدواج ایرانیان با اتباع خارجی موجب تسهیل تعاملات با ملت‌های مختلف می‌شود. تأیید تابعیت ایرانی، بهره‌مندی از حقوق و ایجاد تکالیفی برای اتباع ایران در پی دارد. اجرای قانون اخیر، ضمن آنکه با ایجاد رضایت‌خاطر و اطمینان به آینده فرزندان برای مادران، اثر مثبتی بر حقوق زنان دارد، گام بزرگی در پیشبرد حقوق کودکان است که موجب می‌شود بخشی از فرزندان کشور که مدت‌هاست احساس تبعیض می‌کنند، به حق بنیادین خود برای توانمندی مادی و معنوی از جمله تسهیل تحصیل (اسدی‌نژاد، رستمی چلکاسری، و مرادی، ۱۳۹۴) و اشتغال، در جایگاه شهروند ایران دست یابند. با وجود این، همچنان بحران‌ها و مشکلات عدیده‌ای در اجرا و ثبت وجود دارد که حتی عده‌ای رنج بی‌هویتی^۱ را به دوش می‌کشند و هیچ اقدامی نمی‌کنند. باید دید منشأ این مشکلات کجاست که پس از این همه کشمکش هنوز این تابعیت اکتسابی است.

به جز نوشتارهای راجع به تابعیت زنان، کودکان و اتباع خارجی (توسلی نائینی، ۱۳۸۳؛ توسلی نائینی و افضل‌ی، ۱۳۹۲؛ رئیسی، ۱۳۸۶؛ زارعی، ۱۳۹۸؛ عابدین، ۱۳۷۸؛ کاظمی، ۱۳۹۴؛ محمدنبی، ۱۳۸۲)،

۱. «هویت» به‌عنوان «حق» مورد حمایت در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی کشورها، در کودکی شکل می‌گیرد؛ درحالی‌که کودک تسلط بر عناصر هویتی خود ندارد. کنوانسیون حقوق کودک عناصر هویت کودک را نام و تابعیت و ارتباط والدینی می‌داند و در جهت حفظ و حمایت از این عناصر، تکالیفی را بر دوش دولت‌های عضو می‌نهد (اسدی، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

پژوهش چندانی در این باره که مربوط به پس از تصویب قانون جدید باشد، وجود ندارد (اقتداری، ۱۳۹۹؛ مهدی‌پور، سبحانی، و مقصودی پاشاکی، ۱۴۰۰ ش) و تعداد اندکی نیز مربوط به پیش از تصویب قانون جدید است (امینی و امینی، ۱۳۹۸؛ ایمانی نائینی، صادقی، و عبدی، ۱۳۹۰؛ بیات، ۱۳۹۵؛ توسلی نائینی، ۱۳۹۰؛ جاهد، ۱۳۹۷؛ سلمان‌پور، ۱۳۹۵؛ عباسی و بداغی، ۱۳۸۸؛ عبدی پورفرد، ۱۳۹۸؛ عزیزی و حاجی عزیزی، ۱۳۹۰؛ نورایی و غضنفری، ۱۳۹۶)، که از جامعیت لازم برخوردار نیستند.

این مقاله علاوه بر بهره‌گیری از نوشتارهای سابق، و بررسی سیر تحول قانونی در موضوع و به‌ویژه مقرره اخیر و نیز طرح متعاقب آن، با استفاده از داده‌هایی که از طریق مصاحبه با برخی از دست‌اندرکاران به دست آمده است، در نظر دارد چالش‌های موجود و پیش‌رو را رصد، و تحلیل حقوقی کند؛ از این‌رو، پس از بررسی ضرورت بحث و شناسایی واژه‌های مرتبط، ضمن واکاوی سیر مقررات راجع به موضوع، چالش‌های حقوقی آن (در نظر گرفتن صرف ازدواج شرعی، تابعیت مضاعف، شرط اقامت و ابهام بقای تابعیت ایرانی پس از مهاجرت) رصد می‌شود و سازوکار مناسب جهت عمل به مقرره اخیر تبیین می‌شود؛ چراکه پذیرش بی‌برنامه مهاجرت، تهدیدی بالقوه و جدی برای دولت‌ها است (شاه‌حیدر و سلیقه، ۱۳۹۵)؛ از این‌رو، ایران باید فعالانه‌تر، مسئله تابعیت را بررسی، و این تهدید (به‌ویژه حجم گسترده مهاجران افغان) را به فرصت تبدیل کند.

۱. جایگاه تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی در نظام حقوقی ایران

به‌منظور رصد وضعیت تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی، ابتدا به شناسایی تابعیت و گونه‌های آن و طرق کسب تابعیت در ایران می‌پردازیم. پس از تبیین تابعیت ناشی از ازدواج، سیر تحولی مقررات راجع به تابعیت فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی بررسی می‌شود.

۱-۱. تابعیت، گونه‌های آن و طرق کسب تابعیت در ایران

تابعیت رابطه‌ای حقوقی است که شخصی را با دولت به‌مفهوم جامعه سیاسی مرتبط می‌سازد و جزء عناصر ایجادکننده موقعیت حقوقی فرد در اجتماع قرار می‌گیرد (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۸۴-۸۵). کشورها در چهارچوب حقوق داخلی و باتوجه به روابط خود با دیگر کشورها به

وضع قوانین تابعیت می‌پردازند و از این طریق حدود حقوق و تکالیف اتباع خود و اشخاصی را که موضوع تغییر تابعیت و تحصیل تابعیت و ازدست‌دادن تابعیت واقع می‌شوند، معین، و ضمن تمیز حقوق اتباع خود از بیگانگان، نظم عمومی را در جامعه برقرار می‌کنند (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۵۹)؛ بنابراین، تابعیت رابطه‌ای سیاسی (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۴۹)، داخلی و بین‌المللی (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۵۰)، حقوقی (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۳۸) و معنوی (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۸۵) است که برای تحقق آن، وجود «دولتی» لازم است که دارای شخصیت حقوقی مستقل است و از جمعیت سرزمین، حکومت و حاکمیت تشکیل شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۸۷-۸۵).

در حقوق بین‌الملل، سه اصل کلی حاکم بر تابعیت است: ۱. هر فردی باید دارای تابعیت باشد؛ ۲. هیچ فردی نباید بیش از یک تابعیت داشته باشد؛ ۳. افراد حق تغییر تابعیت را دارند (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۵۲-۵۳). تابعیت سه‌گونه است: اصلی، اکتسابی، مضاعف. تابعیت اصلی تابعیتی است که از ابتدای تولد شخص، از طریق دو معیار خون و خاک تحمیل می‌شود (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۴۱). تابعیت با سیستم خون، از طریق نسب به طفل تحمیل می‌شود؛ یعنی از بدو تولد، بدون توجه به محل تولد، تابعیت پدر یا مادرش را متحمل خواهد شد (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۴۵). مطابق سیستم خاک، هر شخصی در هر محلی که متولد می‌شود، تابعیت آن کشور را دارد؛ امروزه اکثر دولت‌ها به سیستم خاک عمل می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۹۱).

ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران به دو دسته تابعیت اشاره کرده است: ۱. تابعیت فردی با پدر ایرانی؛ ۲. تابعیت ناشی از تولد در ایران. مطابق بند ۲ این ماده، «کسانی که پدر آن‌ها ایرانی است، اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند»، تبعه ایران محسوب می‌شوند. این، همانا تحمیل تابعیت با اعمال سیستم خون است که فقط از طریق پدر ایرانی به طفل تحمیل می‌شود (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۰) و تابعیت مادر به طفل منتقل نمی‌شود. بدیهی است هرگاه پدر بعداً تغییر تابعیت بدهد، تأثیری در تابعیت فرزند نخواهد داشت (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۶۵). در برخی کشورها تابعیت از طریق مادر نیز به طفل منتقل می‌شود و طفل از همان آغاز تولد دارای تابعیت مضاعف می‌شود. قانون ایران، برای جلوگیری از تابعیت مضاعف بر اثر تولد طفل از پدر ایرانی

و مادر خارجی، در بند ۶ مقرر می‌دارد: «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند»، تبعه ایران محسوب می‌شود.

بندهای ۳ و ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ به سیستم خاک اشاره کرده است. در بند ۳ «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشد»، تبعه ایران محسوب می‌شوند. طفلی که از ازدواج مشروع متولد شده باشد، اما در اثر حادثه‌ای، والدین خود را از دست داده باشد، ایرانی است. مطابق بند ۴، «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده، به وجود آمده‌اند» ایرانی محسوب می‌شوند؛ از این رو طفلی که از مادر خارجی متولد ایران به دنیا آمده، ایرانی است. به موجب بنده ۵ «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است، به وجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به هجده سال تمام، لااقل یک سال دیگر در ایران اقامت کرده باشند و الا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است». پیش‌بینی قانونگذار در این بند، برای جلوگیری از افزایش افراد بدون تابعیت است.

تابعیت اکتسابی ایرانی، در دو فرض شخص حقیقی (در چهار حالت) و شخص حقوقی (ابراهیمی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۳، ۱۴۴-۱۴۵؛ اسکینی، ۱۳۸۴، ص ۶۴؛ دمرچیلی، حاتمی، و قرائی، ۱۳۸۱) بررسی می‌شود. در یکی از حالات فرض نخست، هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، تبعه ایران محسوب می‌شود. این زن اگر طلاق هم بگیرد، باز هم ایرانی است و می‌تواند با اطلاع کتبی به وزارت امور خارجه به تابعیت قبلی خود برگردد؛ اما در مقابل، ماده ۹۸۷ قانون مدنی مقرر می‌کند که زن ایرانی که با تبعه خارجی ازدواج می‌کند، به تابعیت ایرانی خود باقی می‌ماند؛ مگر آنکه مطابق قانون مملکت کشور زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود.

از آنجاکه هر کشور به مقتضای موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود یکی از روش‌های خاک، خون یا مختلط را برمی‌گزیند، ممکن است دو دولت، تابعیت خود را به یک فرد اعطا کنند؛ در نتیجه تابعیت مضاعف به وجود می‌آید (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۴۱). برای مثال قانون مدنی ایران،

طفلی را که از پدر ایرانی به دنیا آمده باشد، تبعه ایران می‌داند. اگر این طفل در خارج از ایران و در کشوری که سیستم خاک را برای تابعیت اعمال می‌کند، مانند آمریکا به دنیا آید، تابعیت آن کشور را نیز خواهد داشت. بدین ترتیب این طفل دارای دو تابعیت ایرانی و آمریکایی خواهد بود. پس در صورتی که در زمان تولد طفل بین دولت‌ها در روش‌های اعطای تابعیت اختلافی وجود داشته باشد، ممکن است شخص از ابتدای تولد دارای دو تابعیت شود. بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا از جمله فرانسه در حال حاضر اجازه تابعیت مضاعف را می‌دهند (ارفع‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۶۰-۶۲). به منظور پیشگیری از تابعیت مضاعف، می‌بایست هر کشوری مقررات تابعیت خود را به گونه‌ای تدوین کند که کسب تابعیت دیگر ممکن نباشد؛ مگر اینکه مسلم شود که تابعیت قبلی خود را ترک کرده است. یک راه، این است که وقتی طفل به سن قانونی رسید، یکی از دو تابعیت را به میل خود انتخاب کند. در قوانین ایران جهت حل پدیده دوتابعیتی راهکاری وجود ندارد.

اعطای تابعیت در ایران به سه طریق است: ۱. سیستم خون و خاک؛ ۲. پذیرش تابعیت ایران؛ ۳. ازدواج. تابعیتی که از روش اول به دست آید، تابعیت اصلی و تابعیت که در نتیجه دو راه اخیر تحصیل شود، تابعیت اکتسابی است. متقاضی کسب تابعیت ایران به روش دوم، باید چهار شرط اهلیت استیفا، اقامت، لیاقت و مکنت را واجد باشد (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۷۵-۷۶؛ بندهای ۳ و ۴ ماده ۹۷۹ قانون مدنی) که مقرر داشته «فراری از خدمت نظامی نباشند و در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیر سیاسی محکوم نشده باشند». و در روش اخذ تابعیت ایران از طریق ازدواج، قانونگذار ایران دو روش متفاوت برای زن و مرد قرار داده است. به موجب بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، هر زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کند، تبعه ایران محسوب می‌شود؛ در حالی که مرد خارجی که با زن ایرانی ازدواج می‌کند، نمی‌تواند بلافاصله تابعیت ایران را اخذ کند و برای اخذ تابعیت می‌بایست پنج سال از ازدواج گذشته باشد. چنانچه آن مرد از همسر ایرانی خود صاحب فرزند شده باشد، می‌تواند پیش از اتمام پنج سال درخواست تابعیت خود را به دولت تقدیم کند. در خصوص ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی این نکته حائز اهمیت

است که چنانچه طبق قانون کشور آن مرد، با ثبت ازدواج، تابعیت مرد به زن ایرانی اعطا شود، وی می‌تواند انتخاب کند که تابعیت ایرانی خود را حفظ کند یا تابعیت کشور متبوع مرد را اکتساب کند (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۶۸-۶۹)

۲-۱. آثار تابعیت ایرانی پدر یا مادر در فرزندان

اولاد صغیر شخصی که به تابعیت ایرانی در آمده است، ایرانی محسوب می‌شوند. آن‌ها حق دارند ظرف یک‌سال پس از رسیدن به سن هجده‌سال تمام، اظهاریه کتبی خود را به‌ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدر، دائر براینکه آن‌ها را تبعه خود خواهد شناخت، به وزارت امور خارجه بدهند و تابعیت مملکت سابق پدر را قبول کنند (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۷۳-۷۴). اصل وحدت تابعیت نسبت به اولاد صغیر شخصی که به تابعیت ایران پذیرفته شده، نیز لحاظ شده است. این تحصیل تابعیت ایرانی پدر، درباره اولادی که در تاریخ تقاضانامه به سن هجده‌سال تمام رسیده‌اند، مؤثر نیست (نظیف، ۱۳۹۱، ص ۶۸).

بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی مؤید پذیرش سیستم خون در نظام قانون‌گذاری ایران است؛ یعنی هر طفل متولد از پدر ایرانی، به‌مجرد تولد، چه در داخل کشور و چه در خارج از آن، ایرانی محسوب می‌شود (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۰). مشمولان بند ۲ این ماده به‌جهت تولد از پدر ایرانی، برخلاف دیگر دارندگان تابعیت‌های اصلی که در بندهای ۳ و ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی به آن‌ها اشاره شده است، ایرانی‌الاصل نامیده می‌شوند. باتوجه‌به تعریف سیستم خون، ملاک تشخیص تابعیت، زمان تولد است؛ یعنی ضابطه تابعیت نسبی در ایران، تابعیت ایرانی اصلی یا اکتسابی پدر (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۷۹) حین ولادت طفل است. بدیهی است هرگاه پدر بعداً تغییری در تابعیت خود بدهد، تأثیری در تابعیت فرزند نخواهد داشت (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۶۵).

۳-۱. سیر تحول قانونی تابعیت فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد غیر ایرانی

وضعیت حقوقی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مسئله‌ای است که سالیان سال مشکلاتی به‌وجود آورده است؛ از قبیل: عدم صدور شناسنامه، عدم تحصیل و بی‌بهرگی از هرگونه حقوق شهروندی. در این زمینه، قانون سیری از تحول را پشت‌سر گذاشته

است که در مرحله اول قانون‌گذاری نه‌تنها راهگشا نبوده، بلکه مشکلات را نیز دوچندان کرد. در ادامه این سیر تحول بررسی می‌شود.

۱-۳-۱. ماده ۹۷۶ قانون مدنی

با بررسی بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی می‌توان به قیاس اولویت (قوی‌تر بودن رابطه فرزندان مادران ایرانی)، طبق بندهای ۳ و ۴ و ۵، تابعیت ایرانی را به این فرزندان اعطا کرد.

به موجب بند ۳، «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنان غیرمعلوم باشد»، ایرانی به‌شمار می‌روند. نامعلوم بودن والدین در سه فرض تصور می‌شود: ۱. والدین نامعلوم هستند و تولد طفل ناشی از ازدواج قانونی نبوده است و به‌طور مشخص پدر طفل نامعلوم است؛ ۲. کودک پس از تولد، والدینش او را رها کرده‌اند و امکان شناسایی آن‌ها وجود ندارد؛ ۳. هویت والدین مشخص است، اما تابعیت آن‌ها معلوم نیست. به‌هر حال به‌منظور جلوگیری از وجود شخص بی‌تابعیت در کشور در این فروض، طفل ایرانی محسوب می‌شود (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۶۵). مطابق بند ۴ تابعیت ایران برای «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده، به‌وجود آمده‌اند»، پذیرفته شده است. در این ماده با اطلاق لفظ «یکی از آن‌ها» تفاوتی بین پدر و مادر نمی‌گذارد و به‌صرف تولد یکی از آن‌ها در ایران شرط محقق می‌شود. پس شرط اینکه فرد طبق این بند، ایرانی محسوب شود، این است که اولاً فرد متولد ایران باشد، ثانیاً پدر و مادر او خارجی باشند، ثالثاً یکی از والدین در ایران متولد شده باشد.

نظریه مشورتی وزارت دادگستری به شماره ۷/۵۰۲۵ مورخ ۶۱/۱۰/۱۳ بیان کرده که اگر مادر طفلی ایرانی باشد و در ایران متولد شده باشد، طفل، ایرانی محسوب می‌شود؛ اما اگر طفل متولد ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی متولد خارج از ایران باشد، تابعیت ایران نیز به طفل اعطا نمی‌شود. این امر نشانه ضعف قانونی است؛ چراکه رابطه این قبیل فرزندان در مقایسه با فرزندان که از پدر و مادر خارجی هستند، به مراتب قوی‌تر محسوب می‌شود (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۶۶-۶۷).

بند ۵ به موردی می‌پردازد که زن و شوهر ایرانی نیستند و دارای فرزند هستند و در ایران زندگی می‌کنند، بدین ترتیب که اگر فرزند به هجده سال تمام رسیده باشد، می‌تواند حداقل یک سال دیگر هم در ایران زندگی کند تا تابعیت ایرانی را اخذ کند و اگر فاقد این شرایط باشد، باید مطابق قوانین ایران برای اخذ تابعیت اقدام کند.

۲-۳-۱. ماده واحده تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵

عملاً تا سال ۱۳۸۵، هیچ قانون اجرایی درخصوص اعطای تابعیت ایرانی به صورت اختصاصی به فرزندان مادران ایرانی که پدران آنها غیرایرانی باشند، وجود نداشت. البته می‌توانستند به صورت عادی بنابه روالی که برای اخذ تابعیت تعریف شده بود، فارغ از هویت مادری و پدری اخذ تابعیت کنند.^۱ پیش از سال ۱۳۸۵، هیچ امتیازی برای این فرزندان وجود نداشت، البته در مقام اجرا، تعدادی شناسنامه پیش از این سال صادر شد که طبق مقرره‌ای که فرزند متولد در ایران را که پدر و مادر او معلوم نباشد، ایرانی محسوب می‌کرد، به ثبت احوال مراجعه، و با بیان مشخصات مادر، شناسنامه دریافت می‌کردند، بدون اینکه مشخصات پدر موجود باشد (غلامی، ۱۴۰۱/۴/۲۹).

مطابق ماده واحده یادشده، «فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی که در ایران متولد شده یا حداکثر تا یک سال پس از تصویب این قانون در ایران متولد می‌شوند، می‌توانند بعد از رسیدن به سن هجده سال تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. این افراد در صورت نداشتن سوء پیشینه کیفری یا امنیتی و اعلام رد تابعیت غیرایرانی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند. وزارت کشور نسبت به احراز ولادت طفل در ایران و صدور پروانه ازدواج موضوع ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی اقدام می‌کند و نیروی انتظامی نیز با اعلام وزارت کشور پروانه اقامت برای پدر خارجی مذکور در این ماده صادر می‌کند. فرزندان موضوع این ماده پیش از تحصیل تابعیت نیز مجاز به اقامت در ایران هستند. تبصره ۱. چنانچه سن مشمولان این ماده در زمان

۱. بنابه ماده ۹۷۹ قانون مدنی.

تصویب بیش از هجده سال تمام باشد، باید حداکثر ظرف مدت یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی نمایند. تبصره ۲. از تاریخ تصویب این قانون، کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن هجده سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده ۹۷۹ قانون مدنی، به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند.

در قانون مصوب ۱۳۸۵ تقاضای تابعیت از سوی فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی منوط به چند شرط اصلی بوده است: ۱. تولد طفل در ایران؛ ۲. تولد طفل حداکثر تا یک سال پس از تصویب قانون؛ ۳. تقاضای تابعیت پس از سن هجده سال تمام شمسی و منوط به رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی که طبق این ماده «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است» و این خود یکی از نقاط قوت ماده واحده ۱۳۸۵ بود که در اصلاحیه اردیبهشت ۱۳۹۸ در کمال شگفتی حذف شد! ۴. نداشتن سوء پیشینه کیفری و امنیتی؛ ۵. اعلام رد تابعیت غیر ایرانی؛ ۶. آزمون تابعیت که منابع آن قانون اساسی و تاریخ و جغرافیا بوده است؛ ۷. سوگندنامه. در این قانون احکام دیگری نیز مانند صدور اقامت برای پدر خارجی وجود دارد.

از مستندات و دلایل تقدیم طرح سال ۹۸، می‌توان به عبارت «مردان خارجی» که موجب خروج موضوعی افراد بی‌تابعیت می‌شود، اشاره کرد. زنان ایرانی ممکن است با مردان غیر ایرانی ازدواج کرده باشند؛ لیکن به معنای خارجی بودن و داشتن تابعیت کشوری نیست. از آنجاکه تدوین این لایحه برای رفع سردرگمی مشمولان است، استعمال کلماتی دقیق‌تر مثل «مردان غیر ایرانی» می‌تواند به اجرای بهتر قانون کمک کند. دلیل دیگر، عدم اشاره به محل تولد فرزند یا محل سکونت والدین در ایران بود. همچنین به سقف زمانی اعطای امتیازات این قانون اشاره نشده است. به هر حال، نام این قانون «قانون تعیین تکلیف» است و چنان‌که قانون‌گذار قصد اعطای تابعیت نسبی از طریق مادر و تغییر قواعد سیستم خون را دارد، بهتر است ماده ۹۷۶ قانون مدنی را اصلاح کند. دلیل دیگر، عدم اشاره به مهلت زمانی تشخیص وزارت اطلاعات

برای اعلام مشکلات امنیتی است که می‌تواند کسب تابعیت را به تأخیر اندازد؛ از این رو بخش پایانی ماده واحده ۱۳۹۸، مقرر کرده است که «پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود...». همچنین در ماده ۱۳ آیین‌نامه اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی مصوب ۱۳۹۹ بیان شده «عدم ارسال پاسخ ظرف مدت سه ماه توسط مرجع امنیتی به منزله فقدان مشکل امنیتی تلقی می‌شود و در این صورت ... اداره ثبت احوال محل تولد مادر ایرانی، موظف به صدور کارت ملی و شناسنامه برای فرد مورد نظر است ...».

۳-۳-۱. قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸

لایحه اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در جلسه مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۳۰ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس بررسی و با اصلاحاتی تصویب، و جایگزین طرح یک‌فوریتی شد. متعاقباً نسخه اصلاحی در جلسه علنی مورخ ۱۳۹۸/۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید؛ و به شورای نگهبان ارسال شد و در نهایت در ۱۳۹۸/۷/۲ به تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان رسید.^۱

ماده واحده ۱۳۸۵، درخواست تابعیت این فرزندان را پس از هجده سالگی منوط به رعایت ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی می‌کرد که طبق این ماده «ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجه در مواردی هم که مانع قانونی ندارد، موکول به اجازه مخصوص از طرف دولت است» که در اصلاحیه اردیبهشت ۱۳۹۸ حذف شد و قانونگذار به یکباره اصل نظارت دولت بر ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی را به فراموشی سپرد. در این ماده واحده نیز نیروی انتظامی برای پدر غیرایرانی این فرزندان که بدون پروانه اقامت و چه بسا بدون روایت وارد کشور شده‌اند، مکلف به صدور پروانه اقامت شده است و موارد رد تابعیت غیرایرانی که هم در ماده واحده ۱۳۸۵ و هم در قانون مدنی شرط ورود به تابعیت ایرانی است، در این مصوبه حذف شده است. نکته نهایی

۱. برای دریافت متن ماده واحده ر.ک: <https://www.rrk.ir/Laws/PrintLaw.aspx?Code=18369>

اینکه مطابق اصول قانون اساسی مانند اصل ۱۱۵ و مواد قوانین عادی مانند ماده ۹۸۲ قانون مدنی و قوانین استخدام کشوری و لشکری و استخدام قضات و اعطای پروانه وکالت که همگی داشتن تابعیت ایرانی (ایرانی الاصل) را شرط کرده‌اند، هدفی را دنبال می‌کنند که این مصوبه آن را نقض می‌کند؛ زیرا با وجود اینکه فرزندان که پدر آن‌ها غیرایرانی است، ایرانی الاصل نیستند، اما ماده واحده مصوب ۱۳۹۸/۲/۲۳ برای این فرزندان قائل به تابعیت اصلی ایرانی است؛ چراکه نوع تابعیت مقرر در این ماده اصلی است نه اکتسابی. چنین اشخاصی را قانوناً باید ایرانی الاصل دانست؛ هرچند پدرشان غیرایرانی است و این افراد عرفاً هم ایرانی الاصل قلمداد نمی‌شوند. فرایند تصویب این قانون موافقان و مخالفانی نیز داشته است؛ موافقان بر این عقیده بودند که زنان ایرانی حق انتخاب دارند و با استفاده از این حق ازدواج‌هایی انجام داده‌اند که حاصل آن فرزندان است که خواستار هویت ایرانی هستند. به علاوه، تفکیک سرزمین‌ها از باب نظم بین‌المللی است و بسیاری از این افراد خدمات بسیاری به ایران کرده‌اند و موقعیت‌های مناسبی را برای کشور فراهم آورده‌اند. از لحاظ امنیتی نیز فرزندی که در ایران متولد می‌شود نمی‌تواند صدمه‌ای به امنیت و تمامیت ارضی ایران وارد کند؛ و حتی برعکس، اگر تابعیت به آن‌ها تعلق نگیرد، احساس تبعیض می‌کنند و در مقابل نظم اجتماعی قرار می‌گیرند و ممکن است خطر آفرین باشند. عقیده مخالفان این بود که با وجود قانون اعطای تابعیت، نیازی به این قانون نداریم. در کشور ما تابعیت غالباً از طریق خون است و برای اعطای تابعیت نیز محدودیت‌هایی وجود دارد و نباید این‌گونه پنداشت که زن حق ندارد. در جهت منزلت زن ایرانی باید برنامه‌ریزی دقیقی صورت پذیرد؛ در غیراین صورت، حتماً با مشکلاتی مواجه می‌شود. ممکن است پس از یکی دو دهه، ۴۰، ۵۰ میلیون نفر مهاجر در ایران داشته باشیم و هرکدام دارای چند تابعیت باشند و امنیت کشور را متزلزل سازند.^۱ قانون سال ۹۸ کارشناسی شده نبود و فضایی باز همراه با مطالبه‌گری به وجود آورد.

۱. مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۹۸/۲/۲۳

۴-۳-۱. قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت مصوب ۱۴۰۱/۸/۲۲

حضور میلیونی اتباع خارجی ضرورت ساماندهی اوضاع آن‌ها را افزایش داد و به تأکید کارشناسان بر اهمیت تأسیس سازمان ملی مهاجرت انجامید تا این سازمان بتواند با بهره‌گیری از توان بقیه سازمان‌ها و نهادهای ذی‌نفع با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و نظارت، امور اتباع و مهاجران خارجی را ساماندهی کند. در ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۷، شورای عالی اداری کشور با تشکیل سازمان ملی مهاجرت موافقت کرد و سرانجام در ۲۲ آبان ۱۴۰۱، کلیات آن به تصویب نمایندگان مجلس رسید و جهت بررسی تخصصی به کمیسیون تخصصی ارجاع داده شد. در ماده ۴۱ این مصوبه آمده است که قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۹۸/۷/۲ از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون، به استثنای افرادی که در سامانه مذکور ثبت‌نام کرده‌اند، لغو می‌شود.

۵-۳-۱. طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با

مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲ - مرداد ۱۴۰۲

در تمام کشورها سیاست‌هایی مبتنی بر ظرفیت‌ها و شاخص‌های امنیت ملی برای مهاجرپذیری وجود دارد. ایران با بیش از هشت میلیون پناهنده جزء کشورهای مهاجرپذیر قرار دارد که برای برقراری نظم، تنظیم مقررات متناسب ضروری است. قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۹۸ نیز با همین رویکرد تصویب شد که چالش‌هایی از جمله تابعیت مضاعف را ایجاد کرد؛ ضرورت اصلاح قانون و ساماندهی وضعیت مهاجران به تقدیم طرحی، با عنوان طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲، منجر شد.

با تصویب این طرح بسیاری از کاستی‌های قانون پیشین، از جمله موارد ثبت ازدواج، پوشش داده می‌شود؛ اما دربارهٔ اخذ مجوز همچنان ابهام پابرجاست؛ اینکه اگر ازدواج با اخذ مجوز باشد آیا همچنان طی کردن فرایندها از جمله آزمایش یا مراحل دادگاه ضرورت دارد؟ مزیت

نسبی این طرح، رد تابعیت خارجی است که به نحو صحیحی برای ازبین بردن تابعیت مضاعف است.

۲. چالش‌های حقوقی تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی

در این قسمت چالش‌های حقوقی تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیرایرانی بررسی می‌شوند. بدین منظور، ابتدا منشأ این چالش‌های حقوقی، و سپس تابعیت ذاتی و اکتسابی فرزندان حاصل از زن ایرانی و مرد غیرایرانی، و مزایا و معایب هر یک رصد خواهند شد.

۲-۱. منشأ چالش‌های حقوقی: شرایط اعطا و ترک تابعیت فرزندان حاصل از زن ایرانی و

مرد غیرایرانی

درخصوص تابعیت فرزندان حاصل از زن ایرانی و مرد غیرایرانی، ملاک عمل، قانون به‌روزرسانی شده است؛ البته وضعیت کسانی که براساس قانون قبلی تابعیت گرفته‌اند، پابرجا می‌ماند. در قانون جدید چند قید زمانی قرار داده شده است. کسانی که ازدواج آن‌ها به پیش از قانون برمی‌گردد، برای تشکیل پرونده، نیازی نیست ازدواج را براساس رویه قانونی به‌ثبت برسانند و بعد درخواست شناسنامه دهند و می‌توانند با همان ازدواج شرعی درخواست شناسنامه بدهند؛ اما کسانی که ازدواج یا ولادت فرزندشان پس از تصویب قانون است، حتماً باید ابتدا ازدواج را به‌ثبت برسانند؛ بعد درخواست شناسنامه برای فرزند بدهند. قید زمانی دوم که در آیین‌نامه صدور پروانه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی ۱۳۴۵/۷/۶ آمده این است که مادرانی می‌توانند از امتیاز این قانون بهره‌مند شوند که الزاماً شناسنامه آن‌ها پیش از ولادت فرزند گرفته شده باشد و ممکن است خانواده‌ای وجود داشته باشند که فرزند اول آن‌ها شامل این قانون نشود.

در قانون یادشده، اعطای تابعیت به درخواست مادر و تقاضای خود شخص امکان‌پذیر است.

۱. مهمترین مبنای فقهی ثبت ازدواج، قاعده «نفی اخلال در نظام» است (ملکی، نیکومنش، و عظیمی گرگانی، ۱۴۰۱ ش، ص ۲۰۷).

شرایط اعطای تابعیت در هر دو فرض تقریباً یکسان است. در صورتی که مادر تابعیت ایرانی داشته باشد، و پدر غیرایرانی باشد و سن شخص کمتر از هجده سال باشد، مادر می‌تواند برای او تابعیت ایرانی درخواست کند. پس از رسیدن به هجده سالگی و عدم تقاضای مادر ایرانی، خود شخص می‌تواند تقاضای تابعیت کند. مطابق قانون اصلاحی، در هر دو فرض اعطای تابعیت، مشروط به نداشتن مشکل امنیتی (به تشخیص وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه) است. پاسخ به استعلام امنیتی باید حداکثر ظرف مدت سه ماه انجام شود. در صورتی که در مهلت مقرر پاسخی به استعلام داده نشود، شخص را باید بدون مشکل امنیتی دانست. برخلاف نداشتن سوءپیشینه کیفری که مفهومی حقوقی و مشخص دارد، «مشکل امنیتی» دارای مفهومی مبهم و تفسیرپذیر است. آیا منظور از آن، ارتکاب جرائمی علیه امنیت است یا مفهومی فراتر از آن دارد؟ بهتر است مفهومی دقیق و قابل سنجش، یا ضابطه‌ای برای تشخیص آن مقرر شود.

در لایحه دولت و نیز مصوبه مجلس، در فرض تقاضای تابعیت توسط مادر (برخلاف فرض تقاضای خود شخص) شرط نداشتن مشکل امنیتی وجود نداشت؛ از این رو با عدم تأیید شورای نگهبان روبه‌رو شد. احتمال مشکل امنیتی درباره افراد زیر هجده سال کم است، اما منتفی نیست؛ چنان که بسیاری از اعضای گروهک‌های تروریستی افراد زیر هجده سال بودند. به علاوه، ممکن است پدر غیرایرانی آن فرد مشکل امنیتی داشته باشد که در این فرض، اعطای تابعیت به فرزند وی منطقی نخواهد بود. همچنین، احراز نداشتن مشکل امنیتی توأمان برعهده وزارت اطلاعات و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار گرفت؛ بنابراین اگر یکی از دو نهاد قائل به وجود مشکل امنیتی و دیگری قائل به نبود آن باشد، امکان اعطای تابعیت به شخص وجود ندارد، هرچند تصمیم هر دو مرجع در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است (امینی، مهدی و امینی، زهرا، ۱۳۹۸، ص ۴۳۵-۴۶۲).

ملاحظه می‌شود که در زمینه تابعیت فرزندان مادران ایرانی خلأ قانونی نیست؛ و مسائل پیش آمده درباره جزئیات قوانینی است که به مراتب وضع شده است که بسیاری از این چالش‌ها

ناشی از ذاتی یا اکتسابی تلقی کردن تابعیت اشخاص یادشده و مزایا و معایب هر یک است؛ و حتی ممکن است به عدم ثبات مسائل سیاسی ایران منجر شود. از نگاه سیاستمداران، در این باره پیامدهای شدید سیاسی - امنیتی وجود دارد؛ از این رو، تابعیت بر مبنای سیاست است و حتی گاهی از آن به عنوان مشوقی در جهت منافع سیاسی و اقتصادی استفاده می شود و برای کشور ما با توجه به شرایط موجود کاملاً سیاسی - امنیتی است و نمی توان از نقطه نظر حقوق بشر، قانون ثابتی را بدون لحاظ مسائل سیاسی - امنیتی در نظر گرفت. بعضی نیز این چالش ها را ناشی از تبعیض در اعطای تابعیت می دانند. حصری بودن بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی در پذیرش نسب پدری و تنظیم مبهم بند ۴ همین ماده در افزایش این چالش ها نقش بسزایی دارد و تبصره ۲ ماده واحده به طور کلی برای اشخاص بدون تابعیت و متولد ایران، از پدر و مادری که یکی از آن ها در ایران متولد شده باشد، امکان تابعیت ایرانی را فراهم کرده است.

در ترک تابعیت، شخص با قبول تابعیت کشوری دیگر، قطع روابط بین خود و دولت متبوعش را می خواهد. قانون ایران برای ترک تابعیت شرایط سختی در نظر گرفته است که عبارت است از: ۱. سن ۲۵ سال تمام؛ ۲. اجازه هیئت وزرا مبنی بر خروج از تابعیت؛ ۳. تعهد به انتقال حقوق اموال غیر منقول خود ظرف یک سال از تاریخ ترک تابعیت؛ ۴. انجام خدمت تحت السلاح. در تبصره الف (اصلاحی ۱۳۴۸/۱۱/۲۷) بیان شده که کسانی که بر طبق این ماده مبادرت به تقاضای ترک تابعیت ایران و قبول تابعیت خارجی می نمایند، علاوه بر اجرای مقرراتی که ضمن بند (۳) این ماده درباره آنان مقرر است باید ظرف مدت سه ماه از تاریخ صدور سند ترک تابعیت، از ایران خارج شوند. چنانچه ظرف مدت مزبور خارج نشوند، مقامات صالحه امر به اخراج آن ها و فروش اموالشان صادر خواهند نمود و تمدید مهلت فوق حداکثر تا یک سال، موکول به موافقت وزارت امور خارجه است. تبصره ب نیز بیان می کند که هیئت وزیران می تواند ضمن تصویب ترک تابعیت زن ایرانی بی شوهر، تابعیت فرزندان او را نیز که

۱. زوجه و اطفال کسی که بر طبق این ماده ترک تابعیت می کنند، اعم از اینکه اطفال مزبور صغیر یا کبیر باشند، از تبعیت ایرانی خارج نمی شوند؛ مگر اینکه اجازه هیئت وزرا شامل آن ها هم باشد.

فاقد پدر وجدپدری هستند و کمتر از هجده سال تمام دارند و یا به جهات دیگری محجورند، اجازه دهد. فرزندان زن مذکور نیز که به سن ۲۵ سال تمام نرسیده باشند، به تابعیت از درخواست مادر، تقاضای ترک تابعیت نمایند (ماده ۹۸۸ قانون مدنی).

۲-۲. تابعیت ذاتی فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی

در بحث حاضر، ابتدا به امکان‌سنجی تابعیت ذاتی فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی می‌پردازد؛ سپس مزایا و معایب ذاتی تلقی کردن تابعیت این فرزندان رصد می‌شود.

۱-۲-۲. امکان‌سنجی تابعیت ذاتی فرزند حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی

تابعیت ذاتی به تابعیتی گفته می‌شود که فرد به محض به دنیا آمدن آن را کسب می‌کند. در ایران ازدواج مرد غیر ایرانی با زن ایرانی، حقی را برای تابعیت ایجاد نمی‌کند و شوهر به تابعیت خود باقی می‌ماند و تابعیت فرزند حاصل از این ازدواج نیز با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو است. شروع عنوان «مادران ایرانی» از سال ۸۵ بود و تا پیش از سال ۸۵، بر اساس مواد قانون مدنی صرفاً کسی که از پدر ایرانی زاده می‌شد، می‌توانست مستقیماً تابعیت ایران را کسب کند.

طرفداران نظریه ذاتی به استناد ماده ۹۷۶ قانون مدنی و باقیاس اولویت از بند ۴ این ماده، این‌طور استنباط کرده‌اند که وقتی پدر و مادر خارجی باشند و یکی از آن‌ها متولد ایران باشد فرزند مادر ایرانی هم، که به قیاس اولویت هم در ایران متولد شده است و هم تابعیت ایرانی دارد، نیز تابعیت ذاتی ایرانی خواهد داشت. هر چند قیاس هم رعایت نشده، چرا که در فرض پدر و مادر خارجی، فرایند اخذ شناسنامه بسیار راحت‌تر و سریع‌تر انجام می‌گیرد و ملاحظات امنیتی ندارد و با اعلام دایره مهاجرت و گذرنامه، اداره ثبت احوال موظف به صدور شناسنامه است؛ حتی شرط اقامت قانونی را هم که قبلاً وجود داشت، دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۸۶/۸/۲۰ در دادنامه ۶۹۸ ابطال کرد. البته باید گفت که در اجرا ملاحظاتی وجود دارد؛ اینکه اگر نیروی انتظامی به مصلحت نداند یا احتیاج به استعلام باشد، مدنظر قرار می‌دهد. تابعیت ذاتی، قطعاً باید به نسل‌های بعد منتقل شود. این امر، مسائلی را در پی خواهد داشت. اعطای تابعیت در ایران از سیستم مختلط پیروی می‌کند؛ ولی در مقام عمل، سیستم خون بر خاک غلبه

دارد. با این مبانی و اصول قانونی و نیز طبق نظر و استدلال طرفداران نظریه ذاتی، فرزند زن ایرانی و مرد غیرایرانی، از تابعیت ذاتی بهره‌مند خواهد بود.

از آنجاکه ایران با حجم وسیعی از اتباع افغان روبه‌رو است، بررسی سیستم این کشور لازم است. در حقوق افغانستان، استقلال تابعیت زوجین پذیرفته شده است و به‌موجب ماده ۱۰ قانون تابعیت افغانستان، فرزند هرکدام از زن و مرد افغان، تبعه افغانستان محسوب می‌شود (توسلی نائینی و افضلی، ۱۳۹۲).

به‌طور کلی پذیرش سیستم خون ازسوی دولت‌ها بر این مبنا استوار است که فراوان بودن تبعه در زمان صلح، به افزایش قدرت سیاسی و اقتصادی، و در زمان جنگ، به افزایش قدرت نظامی آن‌ها منجر می‌شود (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۴). محققان معتقدند سیستم خون در مقابل سیستم خاک قرار ندارد، بلکه آن‌ها مکمل یکدیگر هستند؛ زیرا هرکدام مزایا و معایبی دارند و هرکشوری باتوجه‌به شرایط اقتصادی و سیاسی و جغرافیایی خود، مقررات تابعیت را وضع می‌کند (بالازاده، ۱۳۸۳، ص ۶۹).

در میان ۱۹۴ کشور دنیا، تنها ۳۰ کشور در اعطای تابعیت، به سیستم خاک پایبند هستند. ایالات متحده آمریکا و کانادا مشهورترین آن‌ها هستند. اصل خاک بیشتر در کشورهای مهاجرپذیر استقبال شده است. یکی از علل گرایش کشورهای اروپایی به پذیرش تابعیت از طریق خاک این است که به‌مرور متوجه شده‌اند که فرهنگ آن‌ها پیشرو و مسلط است و اگر فردی در کشور آن‌ها متولد شود، قطعاً با فرهنگ آن کشور بزرگ می‌شود. درحالی‌که در بسیاری از کشورهای آسیایی به‌علت پیشرو نبودن فرهنگ و عدم تسلط فرهنگی این نگرانی وجود دارد که اگر با سیستم خاک اقدام به اعطای تابعیت کنند، ممکن است در عمل با اتباعی روبه‌رو شوند که هیچ تعلق خاطری به کشور ندارند (غلامی، ۱۴۰۱/۵/۴). علت دیگر گرایش به سیستم خاک، این است که هر فردی در قلمرو کشوری متولد بشود تحت نفوذ و اقتدار آن دولت قرار می‌گیرد؛ و به‌همین ترتیب اگر از قلمرو خاک کشور خارج شود، دیگر آن دولت بر فرد سلطه ندارد (بالازاده، ۱۳۸۳، ص ۳۵) و عملاً دولت‌ها قدرت خود را بر این اساس نسبت به اشخاص

اعمال می‌کنند. چنانچه سیستم خاک را همه کشورهای می‌پذیرفتند، هیچ فردی بدون تابعیت نمی‌ماند (نصیری، ۱۳۸۴، ص ۳۳). بیشتر کشورهای جهان سوم قانون خاک را قبول ندارند؛ چون نمی‌توانند فرهنگ خود را سریع منتقل کنند. نمونه بارز آن افغان‌ها هستند که حتی با وجود گذشت یکی دو نسل حضور در ایران، هنوز تعلق خاطری به کشور ایران ندارند و طبق فرهنگ خود پیش می‌روند؛ هرچند ایران نیز با رغبت پذیرای آن‌ها نبوده است.

۲-۲-۲. مزایا و معایب تابعیت ذاتی فرزند حاصل از زن ایرانی و مرد غیر ایرانی

همان‌گونه که آمد، به موجب بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آن‌ها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند»، تابعیت ایران دارند. و این ادعا وجود دارد که اگر فرزند تولد یافته از مادر خارجی می‌تواند از تابعیت اصلی ایران به موجب این بند بهره‌مند شود، به طریق اولی فرزند متولد از مادر ایرانی هم مشمول این بند می‌شود (سلجوقی، ۱۳۹۱، ص ۸۲). در این خصوص چندین بار از اداره حقوقی وزارت دادگستری کسب نظر مشورتی شده است. در بستر این نظریات مشورتی^۱، اعم از قبل و بعد از انقلاب، تصریح شده است که اگر مادر ایرانی طفل در ایران متولد شده باشد، با توجه به وحدت مناسط مندرج در این بند، این کودک ایرانی محسوب می‌شود. ذاتی تلقی کردن تابعیت این فرزندان می‌تواند نتایج متفاوت و امتیازات متعددی نسبت به اکتسابی بودن داشته باشد؛ از جمله اینکه: نیازی به فرایند رسیدگی به صلاحیت نیست و به محض متولد شدن از تمام حقوق شهروندی بهره‌مند می‌شود؛ به علاوه تابعیت ذاتی ایرانی بدون چون و چرا به نسل‌های بعد هم انتقال می‌یابد و روند صدور شناسنامه برای نسل‌های بعد مانند شهروندی ایرانی است. این مزایا از نگاه طرفداران تابعیت اکتسابی عیب محسوب می‌شود.

یکی از اهداف اولیه ماده واحده ۱۳۹۸، گسترش دامنه معیار خون و اعطای تابعیت از طریق مادر بود. بنابه گفته معاون حقوقی رئیس‌جمهور وقت، با تصویب این لایحه، دامنه شمول ماده ۹۷۶ قانون مدنی در اعطای تابعیت از طریق سیستم خون، به فرزندان مادران ایرانی توسعه یافته

۱. نظر مشورتی شماره ۳۸۰۷، مورخ ۱۳۵۳/۶/۶ و نظر مشورتی شماره ۷/۵۲۰۷، مورخ ۶۱/۱۰/۱۳.

است. قانون جدید به نوعی ماده ۹۷۶ قانون مدنی را اصلاح کرده است؛ چراکه در این ماده تابعیت براساس سیستم خون ازجانب مرد است (مهدی پور، سبحانی، و مقصودی پاشاکی، ۱۴۰۰ ش) با وجود این به نظر می رسد ذاتی دانستن تابعیت ایرانی فرزندان یادشده، مسائلی را به همراه دارد. نخستین مسئله، افزایش این ازدواج ها به ویژه در همان قشر ضعیف جامعه است؛ که طبق تحقیقات انجام شده بسیاری از این ازدواج ها نارضایتی زنان ایرانی را به دنبال دارد که غلبه جنبه پیشگیرانه موضوع را می طلبد. دومین مسئله که از یک سو مزیت، و از سوی دیگر عیب تلقی می شود، انتقال خودکار تابعیت به نسل های بعد بدون طی فرایند رسیدگی است؛ امری که ممکن است به عدم ثبات سیاسی - امنیتی ایران منجر شود؛ چراکه نظارت بر این گونه ازدواج ها به مراتب کمرنگ می شود.

۲-۳. تابعیت اکتسابی فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی؛ مزایا و معایب
هر شخص می تواند از طریق درخواست و یا به دلیل وابستگی به شخصی، تابعیت کشور دیگری را کسب کند. تحصیل تابعیت اکتسابی ایرانی از سه طریق ممکن است: تابعیت زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار می کند (بند ۶ ماده ۹۷۶)؛ درخواست تابعیت ایرانی از سوی اتباع خارجی (بند ۷ ماده ۹۷۶ بالحاظ شرایط ماده ۹۷۹ و سایر شرایط مقرر قانونی) و تابعیت زن و اولاد صغیر اشخاص خارجی که تحصیل تابعیت ایرانی می کنند (ماده ۹۸۴). مورد اخیر را می توان تابعیت تحمیلی نامید (تدین و یوسفی، ۱۳۸۷).

۱-۲-۳. تابعیت اکتسابی فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی
در خصوص تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان غیر ایرانی قانونگذار اعطای تابعیت را پذیرفته بود؛ بدین ترتیب که فرد درخواست می داد و پس از فرایند اداری، اگر حائز شرایط بود، تحصیل تابعیت می کرد. به علاوه، فرد باید به سن هجده سالگی برسد و بعد انتخاب کند؛ اما در قانون جدید قانونگذار کمی از تابعیت اکتسابی فاصله گرفته، اما به طور کامل تابعیت ذاتی را هم نپذیرفته است. واژه «اعطا»، تابعیت اکتسابی را متبادر می سازد. به علاوه، تابعیت زمانی ذاتی است که بتوان بدون هیچ روندی شناسنامه اخذ کرد.

۲-۳-۲. مزایا و معایب تابعیت اکتسابی فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد

غیر ایرانی

پذیرش تابعیت اکتسابی برای فرزندان موضوع بحث، برای دولت مزایایی به همراه دارد، بدین ترتیب که هرکس باید مراحل اخذ تابعیت را خود طی کند؛ و دستگاه‌های امنیتی در اعطای مجوز مخیر هستند (رهنما، ۱۴۰۱/۴/۸)؛ در تابعیت اکتسابی می‌توان ثبات مسائل سیاسی ایران را مدنظر قرار داد و متناسب با شرایط تصمیم گرفت؛ اما معایب آن عمدتاً متوجه متقاضی است. اخذ تابعیت مستلزم طی مراحل طی است که هریک مدتی به طول می‌انجامد؛ به علاوه ممکن است دستگاه‌های امنیتی ممانعت کنند. زمانی که فرد تابعیت ایرانی گرفت، حقوق شهروند ایرانی را دارا می‌شود و از آنجاکه برخلاف بعضی کشورهای شمال اروپا و استرالیا، که تابعیت اکتسابی آن‌ها رتبه‌بندی دارد و پس از چند سال ارتقا درجه دارند - مثلاً ده سال اول رتبه ۳ و بعد از آن به مدت ۵ سال رتبه ۲ دارند - در ایران چنین امری پیش‌بینی نشده است، می‌تواند به مسائل سیاسی، امنیتی، اجتماعی و حقوقی ایران لطمه بزند (غلامی، ۱۴۰۱/۵/۴). یکی دیگر از معایب اکتسابی دانستن تابعیت، ایجاد سیکل معیوب و دور باطل است؛ به این صورت که فرزند بعد از گرفتن شناسنامه ایرانی اگر با تبعه افغانستان ازدواج کند، سیکل معیوب بارها تکرار می‌شود و با ذاتی پنداشتن هم ترمیم نمی‌شود و حتی تشدید هم می‌شود که در طول زمان نمود پیدا می‌کند (غلامی، ۱۴۰۱/۵/۴).

۲-۴. تابعیت مضاعف فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی و مرد غیر ایرانی

در قانون ۱۳۸۵ یکی از شرایط اصلی اعطای تابعیت ایرانی به فرزندان موضوع بحث، رد تابعیت غیر ایرانی آن‌ها بود. این افراد برای اخذ تابعیت باید به کشور پدری خود مراجعه و مدرکی دال بر ترک تابعیت پدری تهیه می‌کردند، سپس روند صدور شناسنامه طی می‌شد. در مصوبه جدید، این شرط حذف شد. این مسئله، به گسترش افراد دارای تابعیت مضاعف در ایران منجر می‌شود (غلامی، ۱۴۰۱/۴/۲۹). این نخستین بار است که قانون‌گذار در عمل تابعیت مضاعف را پذیرفته است. در ایران فقدان پیش‌زمینه‌هایی مثل شفافیت مالی و ارتباط شبکه‌های مالی با یکدیگر،

می‌تواند به این وضعیت بینجامد که فرد با داشتن دو مدرک هویتی همزمان در دو کشور فعالیت‌های مالی و چه‌بسا فرار مالیاتی داشته باشد و در مراودات بانکی اختلال ایجاد کند.

یافته‌های پژوهش

در ایران پایه‌گذاری مناسبی برای مهاجرپذیری وجود ندارد؛ در قانون مدنی کمتر از ده ماده به این موضوع اختصاص داده شده است؛ چراکه پیش‌تر ایران کشوری مهاجرفرست بوده است. بنده ماده ۹۷۶ نیز در همین بستر تنظیم شده بود. رفته‌رفته حجم وسیع مهاجرت به ایران و مسئله تابعیت فرزندان مادران ایرانی، موضوع را از حالت عادی به مسئله‌ای امنیتی، انتظامی و حتی سیاسی تبدیل کرده است. وضع تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با اتباع غیرایرانی، از لحاظ حقوقی مسئله‌ای است که سال‌ها مشکلاتی را از قبیل عدم صدور شناسنامه، عدم تحصیل و بی‌بهرگی از هرگونه حقوق شهروندی به وجود آورده است. مطابق بستر قانونی پیشین، آن‌ها صرفاً پس از رسیدن به سن هجده سال تمام به شرط آنکه یک سال مقیم ایران باشند، تبعه ایران محسوب می‌شدند (بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی). در سال ۱۳۸۵ مقررهای تک‌ماده‌ای در خصوص «تعیین تکلیف» تابعیت این فرزندان به تصویب رسید که نه تنها راهگشا نبود، بلکه مشکل را دوچندان کرد؛ چراکه از یک سو فرزندان زیر هجده سال را نادیده گرفته بود و از سوی دیگر، برای کسانی که ازدواج شرعی اما غیرقانونی داشتند، مشکلات عدیده‌ای را به وجود آورد؛ همچنین تحصیل تابعیت ایرانی با آن شرایط قانون مدنی را منوط به تقاضا و عدم سوءپیشینه کیفری یا امنیتی و رد تابعیت خارجی، کرد. با مصوبه سال ۱۳۹۱، مشکلات ازجایی دیگر رخنه کرد. به‌رغم معافیت از پرداخت هزینه اقامت تا نوزده سالگی، حق اقامت دائم و بهره‌مندی از حقوق شهروندی، همچنان مشکلاتی در روند گرفتن شناسنامه وجود داشت. در نهایت، مهرماه ۱۳۹۸، قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی تصویب شد که خلأهای مقررات قبل در اعطای تابعیت را با شرایطی برطرف کرد. پس از آن، به علت چالش‌ها و کاستی‌هایی که در قانون قبل وجود داشت، در مردادماه ۱۴۰۲ طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان

ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲ در دستور کار مجلس قرار گرفت. دولت سیزدهم نیز لایحه اعطای شناسه هویتی به افراد فاقد هویت را تنظیم کرد تا این افراد علاوه بر شناسایی، از برخی حمایت‌های اولیه نیز برخوردار شوند تا در رفع برخی از مشکلات قانون ۱۳۹۸، از جمله عدم ثبت و تابعیت مضاعف بتواند راهگشا باشد؛ اما اینکه اگر مراحل ازدواج شخصی مطابق قانون باشد، آیا باز هم باید فرایند اداری اخذ تابعیت برای فرزند از جمله آزمایش انجام شود، مبهم است.

با وجود راهگشایی این مقررات برای فرزندان فاقد شناسنامه که هویتی دوگانه دارند، اما همچنان چالش‌های بسیاری، از جمله چالش حقوقی عدم تعیین تکلیف ذاتی یا اکتسابی بودن این تابعیت، وجود دارد. قانونگذار به‌رغم نیم‌نگاهی که به ذاتی بودن تابعیت دارد، در عمل به سمت اکتسابی بودن تابعیت حرکت کرده است؛ زیرا نه تنها واژه «اعطا»، گویای اکتسابی بودن تابعیت در این فرض است، بلکه زمانی می‌توان تابعیت را ذاتی دانست که به‌طور خودکار از بدو تولد به فرد اختصاص یابد، و نیازی به فرایند اداری نباشد. البته تابعیت اکتسابی با امتیازات بیشتر مدنظر قانونگذار است، اما حتی اکتسابی تلقی کردن تابعیت، باید منعطف نگاشته شود تا در شرایط سیاسی یا ملاحظات جمعیتی^۱ تغییرپذیر باشد.

حضور مهاجرهای افغان واقعاً سهل و ممتنع است که می‌توان آن را هم فرصت، و هم تهدید شمرد؛ و هر دو این‌ها به شرایط میزبان برمی‌گردد؛ اینکه اگر شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را توسعه دهد، قطعاً فرصت محسوب می‌شود؛ و اگر مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد، قطعاً تهدید است. از بستریایی که از پیش باید مهیا باشد، اطلاع‌رسانی‌های قانونی است؛ چون بیشتر مردمی که با این مسئله روبه‌رو هستند، قشر ضعیف جامعه‌اند که معطل قانون نمی‌مانند. به‌علاوه، موضوع تابعیت فرزندان یادشده، با موضوع ازدواج والدین مرتبط است، و موضوع ازدواج هم به مهاجرت برمی‌گردد؛ از این رو اگر نتوانیم موضوع

۱. برای آشنایی بیشتر با بایسته‌های تقنینی سیاستگذاری جمعیتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ر.ک: تقی‌نژاد، غمامی، و عزیز، ۱۳۹۹.

ازدواج و مهاجرت را به نحو مطلوبی مدیریت کنیم، قطعاً نمی‌توانیم مسئله تابعیت را حل کنیم. تصمیم‌گیری متناسب در این مسئله همچنین مستلزم رویکرد آینده‌پژوهی در سیاست‌های داخلی در خصوص اتباع غیرایرانی است؛ چراکه با موج عظیمی از مهاجران به ایران روبه‌رو هستیم که با غلبه افغان‌ها، ترکیب جدید جمعیتی ایران، ایرانی - افغان خواهد بود؛ بنابراین، به موضوع مهاجرت، ازدواج و حتی تابعیت فرزندان نباید یک‌جانبه نگریست. الزاماً این‌گونه نیست که تحدیدات قانونی نتایج مثبتی داشته باشد و یا به‌عکس اگر مسیر قانونی باز باشد، مناسب باشد. در قانون ۱۳۸۵ یکی از شروط، تولد در ایران بود، در صورتی که در قانون ۱۳۹۸ این شرط حذف شد. سال ۸۵، نگاه مقنن سلبی بود و سال ۹۸ ایجابی شد. تمام این افراد از قشر ضعیف نیستند که سربار جامعه باشند؛ همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، عده‌ای از آن‌ها نخبه و مفید هستند و باید به‌صورتی قانونگذاری شود که بتوان در اعطای تابعیت به افراد مفید امتیازاتی قائل شد؛ بنابراین لازم است در این خصوص همه جوانب مدنظر قرار گیرد تا نیاز به اصلاح چندباره قانون نباشد.

منابع

- ابراهیمی، نصرالله (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: سمت.
- ارفع‌نیا، بهشید (۱۳۶۹). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: بهتاب.
- اسدی، لیلا سادات (پاییز و زمستان ۱۳۸۷). حق کودک بر هویت. *دوفصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۱۳ (۴۹)، ص ۴۶-۲۶.
- اسدی‌نژاد، سیدمحمد؛ رستمی چلکاسری، عباداله؛ مرادی، فاطمه (بهار و تابستان ۱۳۹۴). حق آموزش و تربیت کودک در قوانین ایران و اسناد حقوق بشر. *دوفصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، ۲۰ (۶۲)، ص ۱۷۳-۱۹۵.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۴). *حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری*. تهران: سمت.
- اقتداری، صدیقه (۱۳۹۹). *تابعیت اطفال ناشی از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی با تأکید بر قانون جدید مصوب ۱۳۹۸ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، دماوند، ایران.
- امینی، مهدی؛ امینی، زهرا (۱۳۹۸). تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی. *حقوق خصوصی (پژوهشی)*، ۱۶ (۲)، ص ۴۳۵-۴۶۲.

- ایمانی نائینی، محسن؛ صادقی، محمود؛ عبدی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی امکان گسترش حمایت‌های حقوقی در مورد ازدواج زنان با اتباع غیرایرانی. *مجله مطالعات راهبردی زنان*، ۴ (۵۴)، ص ۹۱-۱۳۴.
- بالازاده، زهره (۱۳۸۳). *حقوق بین‌الملل خصوصی و مقررات ایران در زمینه تابعیت، اقامتگاه و وضعیت بیگانگان*، تهران: نشر مردم سالاری.
- بیات، زهرا (۱۳۹۵). *بررسی وضعیت حقوقی اتباع افغانی در ایران و تعیین تکلیف همسر ایرانی و فرزندان*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی واحد صفادشت، صفادشت، ایران.
- تدین، عباس؛ یوسفی، مجید (۱۳۸۷). تأثیر ازدواج مرد خارجی و زن ایرانی بر تابعیت فرزندان. *مطالعات راهبردی زنان*، ۴۰، ص ۱۵۷-۱۹۵.
- تقی‌نژاد، علی؛ غمامی، سیدمحمد مهدی؛ عزیزی، حسین (۱۳۹۹). بایسته‌های تقنینی سیاستگذاری جمعیتی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۲۵ (۷۲)، ص ۲۵-۴۷.
- توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۳). اصل وحدت تابعیت زوجین در حقوق ایران. *مجله حقوق خصوصی*، ۲ (۷)، ص ۱۰۳-۱۱۶.
- توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۹۰). تأملی بر وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۲ (۱)، ص ۳۷-۵۸.
- توسلی نائینی، منوچهر، و افضلی، عبدالواحد (۱۳۹۲). تحولات حقوقی قانون تابعیت افغانستان در زمینه ازدواج با بیگانگان در مقایسه با قانون تابعیت ایران. *اندیشه‌های حقوق خصوصی (دانشگاه علم و فرهنگ)*، ۲ (۲)، ص ۹-۲۲.
- جاهد، مانده (۱۳۹۷). *بررسی تطبیقی حق انتقال تابعیت مادر به فرزند در فقه امامیه و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده اصول دین مرکز قم، قم، ایران.
- چاچ، سعید، و عبدی پور فرد، ابراهیم (۱۳۹۸). نابرابری بین پدر و مادر ایرانی در انتقال تابعیت به فرزندان. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۰ (۱)، ص ۲۶۱-۲۷۸.
- دورچیلی، محمد؛ حاتمی، علی؛ و قرائی، محسن (۱۳۸۱). *قانون تجارت در نظم حقوق کنونی*. تهران، میناق عدالت.
- رهنما، حسن، کارشناس حقوقی اداره ثبت احوال، تاریخ مصاحبه: ۱۴۰۱/۴/۸.
- رئیس، پریناز (۱۳۸۶). *بررسی تطبیقی تابعیت زن در نظام‌های حقوقی ایران، بریتانیا و فرانسه* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- زارعی، حمید (۱۳۹۸). *مطالعه تطبیقی اثر ازدواج با بیگانگان بر تابعیت فرزندان در حقوق ایران و فرانسه*، دومین کنگره بین‌المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی و اسلامی، تهران.

- سلجوقی، محمود (۱۳۹۱). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: میزان.
- سلمان‌پور، سارا (۱۳۹۵). وضعیت کودکان حاصل از ازدواج مردان خارجی با زنان ایرانی با نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، مرودشت، ایران.
- شاه‌حیدر، عبدالکریم؛ و سلیقه، محمدجعفر (۱۳۹۵). تأثیر مهاجرت بر رابطه مجرمانه، اولین همایش ملی یافته‌های نوین در علوم انسانی و امنیت اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات حقوقی ایران و جهان.
- طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸/۷/۲ - مرداد ۱۴۰۲.
- عابدین، حسین (۱۳۷۸). ابعاد حقوقی ازدواج با اتباع خارجی. *مجله مجلس و راهبرد*، شماره ۲۸، ص ۳۳۳-۳۵۲.
- عباسی، عاطفه؛ و بداعی، فاطمه (۱۳۸۸). حق تابعیت اطفال حاصل از ازدواج زنان ایرانی و مردان خارجی. *مجله فقه و حقوق خانواده*، ۱۴ (۵۱)، ص ۸۶-۱۰۵.
- عزیزی، ستاره؛ و حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۹۰). بررسی جایگاه مادر ایرانی در انتقال تابعیت به طفل: نقدی بر ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران و ماده واحده سال ۱۳۸۵. *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۴ (۵۶)، ص ۳۳۳-۳۷۰.
- کاظمی، خدیجه (۱۳۹۴). *بررسی قواعد مربوط به تابعیت زنان و کودکان در حقوق ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.
- محمدنبی، حسین (۱۳۸۲). *حقوق ایران و اتباع خارجه*. تهران: نشر کشاورز.
- ملکی، محبوبه؛ نیکومنش، امرالله؛ عظیمی گرگانی، هادی (پاییز و زمستان ۱۴۰۱ ش). مبانی فقهی تشریفات ثبت رسمی ازدواج و طلاق با تأکید بر قاعده نفی اختلال در نظام. *دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده*، ۲۷ (۷۷)، ص ۲۰۵-۲۲۵.
- مهدی‌پور، سیده فاطمه؛ سبحانی، مهدی؛ و مقصودی پاشاکی، رضا (۱۴۰۰ ش). نقد و بررسی شرایط و آثار قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۹۸. *مطالعات حقوقی تطبیقی معاصر*، ۱۲ (۲۳)، ص ۱۱۱-۱۳۴.
- نصیری، محمد (۱۳۸۴). *حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- نظیف، مجتبی (۱۳۹۱). *بایسته‌های حقوق بین‌الملل خصوصی*. تهران: مؤسسه انتشارات دادگستر.
- نورایی، فروزان؛ و غضنفری، هنگامه (۱۳۹۶). شرایط اعطای تابعیت به فرزند از طریق مادر با نگاهی به حقوق ایران، افغانستان و تاجیکستان، کنگره بین‌المللی حقوق شهروندی.
- آیین‌نامه اعطای تابعیت به فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی مصوب ۱۳۹۹.

- آیین‌نامه صدور پروانه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه غیرایرانی مصوب ۱۳۴۵/۷/۶.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸.
- قانون اصلاح قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی (ماده واحده) مصوب ۱۳۹۸.
- قانون تابعیت ج.ا. افغانستان، ۲۹ حوت ۱۳۷۰.
- قانون تابعیت مصوب ۱۶ شهریور ۱۳۰۸ مجلس شورای ملی
- قانون تشکیل سازمان ملی مهاجرت مصوب ۱۴۰۱/۸/۲۲.
- قانون تعیین تکلیف فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی ۱۳۸۵/۷/۲.
- قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۰۱/۲۰ مجلس شورای ملی

The Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (CEDAW), 1979, UN.

The Convention on the Reduction of Statelessness, 1961, UN.

The Universal Declaration of Human Rights, 10 Dec. 1948.

